

یادداشت

توسعه‌ورویات‌دو فرصت سوخته



یاسر هاشمی

تحلیلگر مسائل سیاسی

نفت در تاریخ ایران فقط یک منبع درآمد نیست؛ یک روایت است. روایتی که از حیاط اندرونی قاجار شروع می‌شود. از دالان‌های تاریک امتیازات استعماری می‌گذرد و به همت دکتر مصدق در ملی شدن صنعت نفت و دفاع تاریخی او در سازمان ملل بر دودکش‌های آبادان قد می‌کشد و بر امواج قیمت نفت سوار می‌شود و سرانجام دو بار، یک بار در نیمه دهه ۵۰ و بار دیگر در سال‌های ۸۴ تا ۹۰ «در طلایی» جهش اقتصادی را به روی کشور می‌گشاید اما هر دو بار، به جای عبور هوشمندانه، گویی کورمال‌کورمال وارد اتاقی دیگر می‌شویم؛ اتاقی پر از سراب، تورم و تمرکز قدرت.

اوج نخست: نیمه دهه ۵۰. نسبت درآمد نفت به تولید ناخالص داخلی بنا به برآوردها تا حوالی ۴۷ درصد در ۵۳ بالارفت؛ و تا ۵۶ درآمد سالانه نفت به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسید. نفت حدود ۸۰ درصد درآمدهای دولت را می‌ساخت. در ظاهر همه چیز رونق بود؛ رشد‌های بسیار بالا در اوایل دهه ۵۰، برنامه‌های جاه طلبانه صنعتی، پروژه‌های بزرگ عمرانی. اما اقتصاد، به عارضه‌ای گرفتار شد که در ادبیات اقتصاد توسعه به «بیماری هلندی» معروف است که جهش ارزآوری نفت، نرخ واقعی ارز را تقویت و واردات را ارزان می‌کند، دستمزد‌ها در بخش‌های غیرنفتی بالا می‌رود، منابع و نیروی انسانی به سمت بخش‌های غیرقابل مبادله سرازیر می‌شود و صنعت قابل مبادله (ساخت و کشاورزی) نحیف می‌گردد. در ایران آن سال‌ها، شکاف طبقاتی افزایش یافت و طبقه متوسط شهری، که انتظار داشت از این رونق سهمی واقعی ببرد، با فشار هزینه‌های زندگی و مسکن روبه‌رو شد.

سیاست انقباضی دولت آموزگار در ۵۷ تورم را گرچه پایین‌تر آورد، اما به دلیل رکود و اعتصابات و بحران مشروعبیت، دیگر خیلی دیر شده بود.

اوج دوم: بیست و هفت سال پس از قله اول، ایران دوباره روی موجی از درآمد بی سابقه نفتی سوار شد. سال ۸۴، آغاز دولتی بود که با شعارهای تند و وعده‌های عوام پسند وارد میدان شد دولت احمدی نژاد با شعار «بردن نفت بر سفره‌ها» آمد، درست در دوره‌ای بر سر کار بود که قیمت جهانی نفت به اوج تاریخی رسید. براساس داده‌های بانک مرکزی صادرات نفت ایران بین ۸۴ تا ۹۱ حدود ۶۳۹ میلیارد دلار ارزآوری داشت. سهم نفت از صادرات کالا بالای ۷۵ تا ۸۰ درصد بود این بار، به جای حرکت به سوی «صندوق محور کردن درآمدها، انضباط مالی و تقویت صادرات غیرنفتی»، سیاست‌های غائب، ماهیتی پوپولیستی پیدا کرد. الگوی بیماری هلندی در نفت اوج دوم نیز با صورت بندی دیگری تکرار شد. دلار افتی فراوان، نرخ حقیقی ارز را تقویت و واردات را ارزان می‌کند، در نتیجه، به جای سرمایه‌گذاری بلندمدت در ارتقای بهره‌وری صنعت، پوپولیسم اقتصادی و خرید زمان با پول نفت برسیاست‌های صحیح حاکم می‌شود. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که هدفمندی یا رانه‌ها در اجرا، گرچه به کاهش مصرف انرژی در کوتاه مدت کمک کرد، اما به دلیل فراگیری همگانی پرداخت نقدی، فشار تورمی همراه با افزایش قیمت حامل‌ها به‌هم‌رور اثر واقعی این پرداخت‌ها ب رقت.

شاید پرسش اصلی این باشد: چرا هر دو بار، در لحظه‌ای که «در طلایی نفت» باز شد، ایران به جای عبور به اتاق توسعه، وارد راهروی خط‌اشد؟ درآمد فراوان راننی، اگر بر بستر دولت پاسخگو، شفاف و قانون مند بنشیند، می‌تواند صندوق ثروت بین نسلی بسازد، چرخه‌های قیمتی را هموار کند، و به ریل‌گذاری صنعتی صادرات محور کمک کند؛ اما اگر در دل ساختار متمرکز غیر پاسخگو جاری شود، انگیزه پاسخشگویی مالیاتی را می‌خسکاند، سیاستمدار را به «توزیع‌گر نقدی» به جای «اصلاح‌گر نهادی» تبدیل می‌کند و رانت جویی را به قاعده بازی بدل می‌سازد. همین جاست که بیماری هلندی فقط یک «مدل اقتصادی» بر اقتصاد سایه انداخت. نسبت نفت به دولت به جای نسبت دولت به توسعه تقویت شد یعنی دولت به نفت «وابسته‌تر» شد و اقتصاد به دولت «گرفتارتر». مقایسه دو اوج نفتی، یک همسانی و یک تفاوت‌های دارد.

همسانی تصمیم‌گیری متمرکز، شخص محور و سیاست‌زده، و کم اعتنایی به برنامه‌ریزی مبتنی بر شواهد و تفاوت در دهه ۵۰، مسئله اصلی «شتاب‌زدگی مدرن سازی از بالا» و در دهه ۸۰-۹۰، «ایدئولوژی محوری و ستیز منطقه‌ای/حسده‌ای» بر اقتصاد سایه انداخت.

در هر دو، پیامد اقتصادی یکی بود: تورم ساختاری، نوسان شدید، فرار سرمایه انسانی و مالی، و فرصت‌سوزی در جهش بهره‌وری. دو فرصت طلایی، یکی در نیمه دهه ۵۰ و دیگری در دهه ۸۰-۹۰ بر روی ایران گشوده شد. هر دو بار، به جای عبور به تالار توسعه، به گذرگاه‌های سیاست و ایدئولوژی پیچیدیم. سرمایه اجتماعی و سیاسی این کشور اما هنوز می‌تواند در سومین گشودگی، مسیر را درست انتخاب کند حکمرانی را از نفت «بی‌نیاز» کند، نفت را از بودجه «منفک» سازد، صندوق ثروت را «قاعده‌مند» و «بیه‌نسلی» کند، و توسعه صنعتی صادرات محور را محور تصمیم‌گیری قرار دهد. این نسخه، شعار نیست؛ خلاصه تجربه جهانی و عصاره رنج‌های خود ماست.

ایران اگر بخواهد از چرخه «نفت- نارضایتی» بیرون بزند، باید در مرحله بعد، اصلاحات سخت‌ اما ممکن را از همین جا آغاز کند؛ شفافیت بودجه شرکت‌های دولتی و فرادولتی، تعیین قاعده مالی برای کسری ساختاری، آزاد سازی تدریجی و هدفمند قیمت انرژی همراه با جبران‌های هدفمند واقعی نه همگانی برای دهک‌های پایین، تقویت استقلال بانک مرکزی و مهار رشد پولی، و مهم‌تر از همه، «سیاست خارجی همساز با توسعه» که هزینه ریسک کشور را واقعا کاهش دهد. آن‌گاه، حتی اگر قیمت نفت دوباره اوج گرفت، مسیرمان عوض می‌شود و دلار نفتی نه «بنزین تورم»، که «سرمایه توسعه» خواهد شد.

دکتر بهمن آرمان در گفت وگو با «آرمان ملی»:

دولت باید حساسیت‌های مردم را درباره زنگزور درک کند

نوعی تعمد در کم‌رنگ کردن توافق زنگزور در کشور مشاهده می‌شود

لاریجانی باید درباره زنگزور جلسه امنیت ملی تشکیل می‌داد

آرمان ملی- احسان انصاری: چرا هیچ نهاد رسمی واکنش مشخص و دقیقی درباره مسأله زنگزور از خود نشان نداد؟ آیا موضوع به این مهمی نباید در شورای عالی امنیت ملی به دبیری آقای لاریجانی مورد بحث قرار می‌گرفت؟ چرا صد اوسیمیا هیچ برنامه‌ای در این زمینه پخش نکرد؟ اینها سوالاتی است که در زمینه کم اهمیت جلوه دادن مسأله زنگزور در کشور مطرح است. «آرمان ملی» به همین دلیل و برای تحلیل و بررسی ابعاد این مسأله با دکتر بهمن آرمان اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. آرمان معتقد است: «دولت و آقای لاریجانی اولویت‌های دیگری برای خود مشخص کرده‌اند. به عنوان مثال آقای لاریجانی در اولین سفر خارجی خود به عراق ولبنان سفر کردند. این در حالی است که مسأله زنگزور اگر نگوییم بیشتر، الاقل به همان اندازه مسائل مرتبط با عراق و لبنان برای منافع ملی ایران اهمیت دارد. در گذشته نیز آقای لاریجانی با چین یک قرارداد ۲۵ ساله منعقد کردند اما هنوز مشخص نیست چه نتیجه‌ای به همراه داشته است. در حال حاضر سرمایه‌گذاری

«آیا حساسیت‌ها و پیامدهای پیمان زنگزور بین ارمنستان، آذربایجان و آمریکا توسط ایران درک شد؟ ارزیابی شما از واکنش ایران نسبت به این پیمان چیست؟ من فکر می‌کنم که مسئولان به خوبی حساسیت‌های توافق زنگزور را درک نکردند. ریشه مسأله زنگزور به دوران عثمانی بازمی‌گردد. شبه جزیره کریمه تنها راه دسترسی روسیه به دریای آزاد است. در آن زمان دولت عثمانی به دلیل وسعت زیاد و نداشتن پول کافی تصمیم گرفت که اوراق قرضه منتشر کند. سند این اقدام را در ساختمان قدیمی بورس استانبول می‌توان مشاهده کرد. استفاده از شبه جزیره کریمه برای روسیه با مانع دیگری به نام تنگه بسفر نیز مواجه است و پس از آن نیز جبل الطارق است که آن نیز در اختیار غربی‌هاست. به همین دلیل این راه برای روسیه از اهمیت زیادی برخوردار است. نکته مهم اینکه کریدر زنگزور که یکی از راه‌های ارتباطی ایران و روسیه است برای ۹۹ سال یعنی یک قرن در اختیار آمریکا قرار گرفته است. روس‌ها همواره علاقه مند بوده‌اند که در صورت امکان داستان جعفر پیشه‌وری را دوباره در ایران تکرار کنند، اما در سال‌های اخیر به دلیل موضعی که مردم ایران نسبت به این کشور دارند از چنین طرحی استقبال نشده است. مردم آذربایجان هم از روس‌ها خشمگین هستند برای اینکه مردم منطقه ظلم و ستمی را که روس‌ها در زمان اشغال منطقه به مردم روا داشته‌اند، هنوز به خاطر دارند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که در ایران درباره موضوع به این مهمی هیچ نهاد و مقام دولتی اظهار نظر مشخصی نکرده است. آقای پزشکیان عنوان می‌کند که زنگزور مسأله مهمی نیست. از سوی دیگر پسر ایشان اظهاراتی را عنوان می‌کند که خوشایند دیگران است. سخنگوی دولت نیز این در همین راستا حرکت کرد و عنوان کرد که این موضوع مهم نیست. به هر حال دولت باید دلیل این را مشخص کند که چرا توافق زنگزور از نظر آنها اهمیت ندارد. به هر حال وزیر راه و شهرسازی باید در این زمینه موضع‌گیری می‌کرده که ایشان نیز گویا اولویت‌های دیگری برای خود دارند و به همین دلیل به این موضوع بی‌توجه بوده‌اند.

«سفر آقای پزشکیان به ارمنستان نشان دهنده اهمیت موضوع زنگزور برای دولت چهاردهم نیست؟

این احتمال وجود دارد که سفر آقای پزشکیان به ارمنستان به این موضوع ارتباط داشته باشد. بایان و وجود آقای پزشکیان زمانی که به پاکستان سفر کردند درباره جاده ابریشم که در گذشته از ایران عبور می‌کرده و ایران نقش مهمی در آن داشته اظهار نظر نکرد. به همین دلیل نیز به احتمال زیاد آقای پزشکیان در سفر به ارمنستان نیز همین سیاست را در پیش خواهد گرفت. آنچه در زنگزور رخ داده توافقی بین ارمنستان و آذربایجان بوده که آمریکا نیز از این توافق حمایت

واقعیت این است که مردم ایران نسبت به چنین اتفاقاتی که در اطراف کشور رخ می‌دهد حساس هستند و انتظار دارند که مدیران کشور به مدیران کشور نیز این حساسیت‌ها را درک کنند

کرده است. در نتیجه ایران نمی‌تواند کاری در مقابل این توافق انجام بدهد. این توافق بین سه کشور دیگر رخ داده و ایران از نظر حقوقی حق دخالت ندارد. واقعیت این است که مردم ایران نسبت به چنین اتفاقاتی که در اطراف کشور رخ می‌دهد حساس هستند و انتظار دارند که مدیران کشور نیز این حساسیت‌ها را درک کنند. این وضعیت درباره شورای عالی امنیت ملی که آقای لاریجانی نیز به تازگی دبیری آن را برعهده دارد وجود دارد و این شورا تاکنون جلسه‌ای درباره زنگزور برگزار نکرده است. آیا این مسأله نباید در شورای عالی امنیت ملی مطرح شود؟ این سوال زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم برای مسائل دیگر معمولاً جلساتی برگزار می‌شود.

«فکر می‌کنید چرا چنین اتفاقی رخ داده است؟

من فکر می‌کنم دولت و آقای لاریجانی اولویت‌های دیگری برای خود مشخص کرده‌اند. به عنوان مثال آقای لاریجانی در اولین سفر خارجی خود به عراق و لبنان سفر کردند. این در حالی است که مسأله زنگزور اگر نگوییم بیشتر، الاقل به همان اندازه مسائل مرتبط با عراق و لبنان برای منافع ملی ایران اهمیت دارد. در گذشته نیز آقای لاریجانی با چین یک قرارداد ۲۵ ساله منعقد کردند اما هنوز مشخص نیست چه نتیجه‌ای به همراه داشته است. در حال حاضر سرمایه‌گذاری

واقعیت این است که در دهه‌های گذشته فرصت‌های زیادی برای ساماندهی وضعیت ترانزیتی کشور از دست رفته و دلیل اصلی آن نیز داشتن اولویت‌های دیگری غیر از این مسأله بوده است



چینی‌ها در کشورهایی مانند پاکستان و افغانستان و سوریه در حال انجام است. اما خبری از فعالیت شرکت‌های چینی در ایران نیست. شرایط به شکلی شده که مسأله زنگزور در رسانه‌ها هم بازتاب تخصصی خاصی نداشته است. از مجموع این موضوعات می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً این موضوع برای مدیران و مسئولان اهمیت خاصی نداشته و به آن توجه چندانی نشده است. به عنوان مثال تاکنون صد اوسیمیا حتی یک بار درباره این موضوع برنامه‌ای پخش نکرده که آیا این توافق پیامدی برای منافع ملی ما دارد یا نه و اگر دارد، چه پیامدهایی خواهد بود. برای همین است که برخی تحلیلگران نداشته و عنوان می‌کنند که مسأله زنگزور در حال کم‌رنگ شدن است. در سوی دیگر برخی کارشناسان معتقدند این اتفاق می‌تواند تا سالی و دو نیم میلیارد دلار به کشور خسارت اقتصادی وارد کند». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

چینی‌ها در کشورهایی مانند پاکستان و افغانستان و سوریه در حال انجام است اما خبری از فعالیت شرکت‌های چینی در ایران نیست. شرایط به شکلی شده که مسأله زنگزور در رسانه‌ها هم بازتاب تخصصی خاصی نداشته است. از مجموع این موضوعات می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً این موضوع برای مدیران و مسئولان اهمیت خاصی نداشته و به آن توجه چندانی نشده است. به عنوان مثال تاکنون صد اوسیمیا حتی یک بار درباره این موضوع برنامه‌ای پخش نکرده که آیا این توافق پیامدی برای منافع ملی ما دارد یا نه و اگر دارد، چه پیامدهایی خواهد بود. برای همین است که برخی تحلیلگران از این موضع‌گیری‌ها رضایت نداشته و عنوان می‌کنند که مسأله زنگزور در حال کم‌رنگ شدن است. در سوی دیگر برخی کارشناسان معتقدند این اتفاق می‌تواند تا سالی و دو نیم میلیارد دلار به کشور خسارت اقتصادی وارد کند.

ایران باید نسبت به حضور ۱۰۰ ساله آمریکا در مرزهای شمالی چه واکنشی از خود نشان می‌داد؟

حضور آمریکا در مرزهای شمالی آن هم به مدت یک قرن مسأله کوچکی نیست و ایران باید در این زمینه ابتکار عمل را به دست بگیرد. به واسطه کریدور زنگزور ارتباط آذربایجان با نخجوان از طریق خاک ایران قطع می‌شود و این یک ضایعه بزرگ خواهد بود. به هر حال باید مشاهده کرده که آیا این مسأله از طریق دیپلماسی قابل حل است یا نه. باید به یاد داشت که آمریکا کشوری است که وقتی می‌خواهد درباره سرنوشت کشور و مردم او کار این کار انجام دهد با یوتین دیدار می‌کند، امارتیس جمهور او کار این را دعوت نمی‌کند. به این معنا که این ما هستیم که در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کنیم. سوال مهمی است که چنین فردی اگر در مرزهای ایران فعالیت داشته باشد، چگونه منافع ملی ایران را در مرزهای شمالی خودش لحاظ خواهد کرد؟ واقعیت این است که در دهه‌های گذشته فرصت‌های زیادی برای ساماندهی وضعیت ترانزیتی کشور از دست رفته و دلیل اصلی آن نیز داشتن اولویت‌های دیگری غیر از این مسأله بوده است. با این وجود به دلیل اینکه در ایران و در برخی مناطق خاص می‌توان در هر ۱۲ ماه سال کار کرد، می‌توان خیلی سریع این چالش‌ها را مرتفع کرد. در کشورهای اروپایی خطوط راه‌آهن زیادی وجود دارد به شکلی که حتی به روستاها نیز راه دارند. با این وجود در این کشورها حمل و نقل اغلب توسط کامیون صورت می‌گیرد. تنها در مواردی که مواد معدنی نیاز به حمل و نقل داشته باشد از قطار استفاده می‌کنند. دلیل این موضوع نیز این است که هزینه حمل و نقل با کامیون ارزان‌تر است. بدون تردید در جهان امروز راه‌های ارتباطی از اهمیت زیادی برخوردار است و باید دانست که توسعه اقتصادی بدون داشتن راه‌های ارتباطی در عمل امکان‌پذیر نیست.

جلیل رحیمی جهان آبادی:

تازمانی که تحریم‌ها لغو نشود

FATF خیلی دردی از ما دو انمی‌کند

۱۲ روزه مجبور به دفاع از خود شد. رحیمی جهان آبادی اضافه کرد: اگر فردی با وجود این همه حوادث و اتفاقات هنوز مجاب نشده که ایران پایبند به قوانین بین المللی است و آمریکا و اسرائیل ناض همه تعهدات بی‌المللی و آسیب‌زننده به امنیت جهان و امنیت منطقه هستند، نمی‌توان برای فهم نادرست این قبیل افراد کاری انجام داد. او تصریح کرد: ایران علی‌رغم همه حوادثی که رخ داد اعلام کرد، اگر طرف غربی پایبند به تعهدات خود باشد و آسیبی به ما نماند، آماده مذاکره است اما همچنان آمریکا و اسرائیل ایران را تهدید می‌کنند. عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس یازدهم یادآور شد: حوادث اخیر و جنگ ۱۲ روزه یک اصل مشخص را در روابط بین الملل

بازتعریف معادلات قدرت در قفقاز جنوبی

مانده ارکان

تحلیلگر مسائل سیاسی

امضا توافقنامه صلح میان دو کشور ارمنستان و آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی تأثیراتی مهم بر مسائل اقتصادی، ترانزیتی و امنیتی این منطقه خواهد گذاشت. براساس این توافقنامه، کریدور زنگزوبه «میسر صلح ترامپ برای صلح و شکوفائی» تغییر نام داده و کشور آذربایجان از طریق استان سیونیک ارمنستان به خاک نخجوان و در پایان به ترکیه و اروپا متصل خواهد شد. توافق صلح میان باکو و ایروان باعث توسعه اقتصادی، افزایش تجارت و ترانزیت کالا در منطقه خواهد شد و البته تحولاتی در معادلات قدرت در قفقاز جنوبی به دنبال دارد. تالار زنگزو منطقه‌ای مهم و استراتژیک در ترانزیت منطقه قفقاز جنوبی محسوب می‌شود. این تالار که آذربایجان را از طریق استان سیونیک ارمنستان به نخجوان متصل

می‌کند سال‌ها مورد مناقشه باکو و ایروان بوده و حالت نه جنگ و نه صلح در روابط این دو کشور برقرار بود. در سال ۱۹۹۲ میلادی به منظور حل و فصل مسأله قره باغ سازمان امنیت و همکاری اروپا برای میانجیگری مناقشه میان آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره باغ کوهستانی تشکیل گردید و توانست آتس بس را برقرار کرد اما نتوانست صلح دائم میان این دو برقرار کند. در پاییز ۲۳ آذربایجان به منطقه قره باغ حمله کرد و قسمت‌های زیادی از آن را متصرف شد که به شکست ارمنستان منجر گشت. آذربایجان خواهان انحلال گروه مینسک شد و تلاش‌ها برای برقرای صلح همچنان ادامه داشت. با به قدرت رسیدن ترامپ، تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا برای برقراری صلح آغاز شد که منجر به امضا توافقنامه صلح در روز ۸ اوت ۲۰۲۵ در کاخ سفید میان آذربایجان و ارمنستان تحت نظارت آمریکا شد. براساس این توافقنامه ارمنستان کریدور زنگزور را به مدت ۹۹ سال و واشینگتن اجازه داده و در همین حال ایروان و باکو کشور خروج خود را از مینسک اعلام کردند. در این توافق ۱۷ ماده‌ای تالار زنگزو تابع قوانین ارمنستان بوده اما کنترل، مدیریت و توسعه زیر ساخت‌های آن به کنسرسیومی از چند شرکت آمریکایی سپرده می‌شود. اگر نتوانست می‌نوسد نکته کلیدی این بود که ارمنستان موافقت کرد یک مسیر حمل و نقل تحت اداره آمریکا را از خاک خود باز کند که آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند. آلام علی‌اف رئیس جمهور آذربایجان این توافق را «قرارداد تاریخی»، یاشین رئیس جمهور ارمنستان را آن «یک دستاوردی مهم» خواند و روسیه از آن استقبال کرد اگرچه این کشور قفقاز جنوبی را خط قرمز خود می‌داند و نگران دخالت

و نفوذ آمریکا در منطقه است. براساس توافق صلح کشور آذربایجان از این مسیر به منطقه خود مختار نخجوان و از آن جابه ترکیه و اروپا. کشورهای آسیای میانه و چین به اروپا و ترکیه به آذربایجان و از آن جابه آسیای میانه دسترسی پیدا خواهند کرد. اکنون که این توافق باعث صلح میان باکو و ایروان شده است و تالار زنگزو به مسیر صلح ترامپ تغییر نام داده طبیعتاً منجر به تحولاتی در ترانزیت، تجارت و امنیت منطقه خواهد شد لذا تعریفی مجدد از قدرت میان کشورهای منطقه صورت خواهد گرفت در همین راستا نقد‌ها و تحلیل‌های متفاوتی توسط پژوهشگران بیان شده برخی این توافق صلح را فرصت و برخی تهدید عنوان کرده‌اند، گفته شده که حضور آمریکا در این منطقه، مرزهای شمالی ایران را به خطر می‌اندازد و منجر به مسدود شدن این مسیر برای ایران که از این طریق به آسیای میانه دسترسی پیدا می‌کند، می‌شود لذا نقش ترانزیتی و سود اقتصادی ایران را کاهش می‌یابد. افزایش نفوذ ترکیه رقب ایران در قفقاز، همسایگی ناتو و اسرائیل با ایران را دیگر تحلیل‌ها بوده. لازم به ذکر است که ایران اگرچه از دخالت و نفوذ این کشورها و همچنین از محصور شدن مسیرهای مواصلاتی خود نگران است یعنی همیشه نگران قفل ژئوپولیتیکی این منطقه و قطع ارتباط خود با ارمنستان و اروپا بوده اما-۱ مسیر ترامپ تحت قوانین ارمنستان است و این کشور با تهران روابط دوستانه دارد و به نظر می‌رسد که افزایش فعالیت‌های ترانزیتی و تجاری ایران محسوب نمی‌شود ۲- ایران از طریق دریای خزا خلیج فارس و دریای عمان با جهان در ارتباط می‌باشد ۳- کریدور شمال-جنوب از دیگر راه‌های ارتباطی ایران به جهان و یک موقعیت استثنائی برای تهران محسوب می‌شود لذا نمی‌تواند باعث خفگی ژئوپولیتیک کشور عزیزمان ایران گردد. در همین رابطه رئیس جمهور محترم ایران مسعود پزشکیان اعلام کرد نگرانی‌های ایران در این مسیر لحاظ شده است. به گزارش خبرگزاری برنا، مهدی سنایی، مشاور سیاسی رئیس جمهور در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: ایران از صلح میان همسایگانش استقبال می‌کند و همچنین با رافع انسداد از راه‌های مواصلاتی مخالفتی ندارد، ولی نسبت به طرح‌هایی که قدرت‌ها و سازمان‌های ارامنطقه‌ای را وارد سازوکار امنیتی و ژئوپلیتیک منطقه تاریخی قفقاز کند حساس می‌باشد و درباره زمینه‌سازی تشدید تنش از این طریق، هشدار می‌دهد. در همین راستا عباس عراقچی وزیر امور خارجه اظهار داشت آنچه که در مورد راه‌های مواصلاتی قفقاز جنوبی اتفاق افتاده، با آنچه که قرار بود اتفاق بیفتد، از زمین تا آسمان فرق دارد؛ هر چند ارمنستانی‌ها به ما گفته‌اند تمام خط قرمزهای ایران را رعایت کرده‌اند تهران باید با تحركات دیپلماتیک خود نگذارد که منافع و امنیت ملی کشورمان تحت تاثیر قرار گیرد.